

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir



مرکز تحقیقات دارالحدیث (پژوهشگاه قرآن و حدیث) ۲۱۳

محمّدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -  
زمزم عرفان: یادنامه فقیه عارف، حضرت آیه الله محمدتقی بهجت / تألیف محمد محمدی ری شهری. قم: دارالحدیث،  
۱۴۳۱ ق = ۱۳۸۹ -  
۵۷۰ ص. - (پژوهشگاه قرآن و حدیث / ۲۱۳)

ISBN: 978 - 964 - 493 - 301 - 5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: به صورت زیر نویس.  
۱. بهجت فومنی، محمدتقی، ۱۲۹۴ - ۱۳۸۷. - سرگذشتنامه. فقیهان - سرگذشتنامه. الف. عنوان. ب. عنوان: یادنامه  
فقیه عارف حضرت آیه الله محمدتقی بهجت.

۲۹۷/۹۹۸

۱۳۸۹ ۳/۳۷/۳/۵۵۵ BP

فهرست نویسی پیش از انتشار، توسط کتابخانه تخصصی حدیث / قم

# زمرم عرفان

یادنامہ فقیہ عارف

حضرت آية الله محمد نقي بهجت (ره)

محمدی ای شہری



زمزم عرفان (یادنامه فقیه عارف، حضرت آیه الله محمدتقی بهجت رحمته الله علیه)

محمد محمدی ری شهری

پژوهشگاه قرآن و حدیث / پژوهشکده علوم و معارف حدیث / ۲۱۳

سرپرستار: محمد هادی خالقی

ویراستار: محمد باقری زاده اشعری

نمونه خواب: علینقی کرمان، سید هاشم شهرستانی، محمود سیاسی، مصطفی اوجی

خوشنویس: حسن فرزادگان

صفحه آرا: مهدی خوش رفتار، سید علی موسوی کیا



مؤسسه انتشاراتی دارالحدیث

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: سیزدهم / ۱۳۹۸

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۷۴۰۰۰

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۷۱

ص. پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۴۵ / فروشگاه شماره «۲» (قم، خیابان معلم،

مجتمع ناشران، طبقه همکف پلاک ۲۹) تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۰۹ / ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۱۰

فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه درب شرقی ۷) تلفن: ۰۲۱ - ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۴» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه درب جنوبی) تلفن: ۰۲۱ - ۵۱۲۲۴۹۳

<http://darolhadith.ir>

[darolhadith.20@gmail.com](mailto:darolhadith.20@gmail.com)

ISBN: 978 - 964 - 493 - 501 - 5

<http://shop.darolhadith.ir>

\* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



۳ ۴ ۰ ۱ ۳ ۱ ۸ ۰ ۰ ۸ ۱ ۳ ۴

## فهرست اجمالی

۷	پس گفتار
۱۰	چند نکته
۱۷	نگاهی کوتاه به زندگی ائمه الهی بهجت
۲۳	بخش یکم: جمع بندی و تحلیل مهم ترین ره‌نمودها
۲۵	فصل یکم: قرآن
۴۷	فصل دوم: حدیث
۶۹	فصل سوم: فقه و اصول
۸۱	فصل چهارم: ارزش‌های اخلاقی و عملی
۱۲۱	فصل پنجم: فلسفه و عرفان
۱۴۱	فصل ششم: کشف و کرامت
۱۷۷	فصل هفتم: حج و سرپرستی حُجَّاج
۱۸۶	فصل هشتم: امام خمینی و انقلاب اسلامی
۱۹۱	فصل نهم: سیاست
۲۱۷	فصل دهم: ره‌نمودهای ویژه
۲۲۹	بخش دوم: گفتگو با حجّة الإسلام والمسلمین حاج شیخ علی آقا بهجت
۲۸۷	بخش سوم: یادداشت‌ها
۴۰۳	بخش چهارم: زندگی‌نامه‌ها

## پیش گفتار

یکی از برکات نمایندگی این جانب در حج از سوی مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه‌ای، ارتباط نزدیک با فقیه وارسته و عالم عارف، حضرت آیه الله بهجت رحمته الله علیه و بهره بردن از رهنمودهای سازنده این اسوه علم و عمل و پارسایی بود.

نگارنده این سطور، از سال‌های نخست ورودم به حوزه علمیه قم<sup>۱</sup> در نماز جماعت آن بزرگوار، شرکت می‌کردم و اجمالاً با ایشان آشنا بودم؛ ولی اطلاع چندانی از کمالات و مقامات معنوی ایشان نداشتم. اندکی پیش از آن که به نمایندگی رهبری در حج منصوب شوم، در تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۸ با مقام معظم رهبری دیدار داشتم. در آن دیدار، پیش از آن که من مطلبی بگویم، ایشان به یک بسیجی دزفولی اشاره کردند که نامه‌ای به ایشان نوشته و در آن، ضمن اشاره به دوران اسارتش در جنگ تحلیلی رژیم بعث عراق، آورده که در آن ایام، در اثر مواظبت و مراقبت فراوان، حتی نسبت به خاطرات ذهنی خود، مورد عنایاتی از جانب حق تعالی قرار گرفته و حالاتی برای او پدید آمده است که برای رسیدن به مقصد نهایی - که معرفت شهودی حق است -، نیاز به راهنما دارد و از ایشان انتظار خواسته است و ایشان جواب داده که: من آن کسی نیستم که شما دنبال او هستی. برای این

۱. این جانب، سال ۱۳۴۰ ش، پس از یک سال تحصیل در حوزه علمیه برهان در شهر ری، به قم عزیمت کردم (ر.ک: خاطره‌ها: ج ۱ ص ۲۲).

منظور، سراغ آقای بهجت برو ...

این سخن مقام معظم رهبری و برخی از کرامت‌هایی که در باره آیه الله بهجت شنیده بودم، موجب شد که در صدد یافتن فرصتی برای برقراری ارتباط با این عالم فرزانه و بهره‌گیری از ایشان باشم. واگذار شدن نمایندگی رهبری در حج در اوایل سال ۱۳۷۰، زمینه خوبی برای این ارتباط گردید. این مسئولیت سنگین، ایجاب می‌کرد که برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از مراسم سیاسی - عبادی حج و برگزاری هر چه بهتر آن، از انفس قسسی آن فقیه بصیر، در این سفر، توشه بگیرم. بدین منظور، از آن تاریخ، هر ساله، پیش از حریمت به سوی خانه خدا و پس از بازگشت از سفر، معمولاً به محضر ایشان شرفیاب می‌شدم و از رهنمودهای ایشان در زمینه‌های مختلف، بهره می‌بردم. از این رو، این رهنمودها بخشی از خاطرات حج این جانب از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۷ نیز هستند، و انتخاب نام «زمزم عرفان» برای آنها، بدین مناسبت است.

دیدارهایی که با آن بزرگوار داشتم، گاه فریب یک ساعت طول می‌کشید. در این دیدارها، ایشان مطالب متنوعی را در باره قرآن، حدیث، فقه، اصول، اخلاق، عرفان، کشف و کرامات علمای سلف، حج و سرپرستی حجاج، امام خمینی و انقلاب اسلامی و برخی امور سیاسی، بیان می‌فرمود. همچنین گاه، رهنمودهای خاصی در باره برخی اذکار و اعمال داشتند، که این جانب، شماری از برجسته‌ترین مطالب ایشان را، گاه در محضر ایشان و گاهی پس از آن، یادداشت می‌کردم.<sup>۱</sup>

چند ماه قبل از وفات حضرت آیه الله بهجت، یادداشت‌های خرد از رهنمودهای ایشان را تنظیم کردم تا در کنار خاطراتی دیگر، در کتابی به نام «آموزنده‌ترین خاطرها» منتشر کنم، که حادثه تأسّفبار و تأثرانگیز رحلت آن بزرگوار، پیش آمد و جهان تشییع،

۱. گفتنی است که اگر مطالب این دیدارها ضبط می‌شد، حجم آن، چندین برابر یادداشت‌های کنونی این جانب بود.

بویژه حوزه‌های علمیّه، از برکات آن وجود مبارک، محروم شد. وَالسَّلَامُ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَ یَوْمَ مَاتَ وَ یَوْمَ یُبْعَثُ حَیًّا!

پس از پرواز روح بلند ایشان به عالم ملکوت، با عنایت به این که کتاب یاد شده، آماده انتشار نبود و از سوی دیگر، انتشار رهنمودهای ایشان، یادی از آن عارف بزرگ و ادای حقی از جانب نگارنده نسبت به آن استاد فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق بود و جاذبه ویژه‌ای برای همگان و بخصوص طلاب جوان داشت، بر آن شدم که یادداشت‌های خود را در این باره، به طهر مستقل، آماده نشر نمایم.

در ادامه کار، ترجیح دادم که مطالب این کتاب، برای استفاده بیشتر علاقه‌مندان، در چهار بخش ارائه گردد.

بخش اول، جمع‌بندی مهم‌ترین رهنمودهای آیه الله بهجت، همراه تحلیلی مختصر و افزودن برخی آیات و روایات مناسب با موضوع، و نیز بخشی از رهنمودهای ایشان که در کتاب‌های دیگر نقل شده‌اند و مکمل یادداشت‌های این جانب اند، در ده فصل.

بخش دوم، گفتگو با فرزند گرامی ایشان حجة الإیلام و المسلمین جناب آقای علی بهجت، در باره پدر بزرگوارش - که در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۲ (۱۶ ذی حجة ۱۴۳۰) در مکه مکرمه صورت گرفته است -<sup>۱</sup>.

بخش سوم، متن یادداشت‌های این جانب از سخنان ایشان، در طول سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷.

بخش چهارم، شرح حال مختصری از غالب کسانی که در متن کتاب، از آنها یاد شده

۱. گفتنی است که «نگاهی کوتاه به زندگی آیه الله بهجت» - که پس از این «پیش‌گفتار» خواهد آمد - و همچنین بخش اول تا سوم این کتاب، با نظر جناب حاج شیخ علی آقا بهجت، تصحیح و تکمیل گردیده است. افزون بر این، توضیحاتی که در پانوشته‌ها با علامت (ع) مشخص شده، از ایشان است. توضیحات اندک مشخص شده با علامت (ب) نیز به وسیله جناب آقای علی محمد (طاها) بروجردی - که در سال‌های پایانی عمر آیه الله بهجت، افتخار همراهی ایشان (در بیرون از منزل) را داشته‌اند -، در اختیار این جانب قرار گرفته و سپس به رویت و تأیید حاج شیخ علی آقا بهجت، رسیده است.



است (بر اساس ترتیب الفبایی نام مشهور آنها).<sup>۱</sup>

### چند نکته

بیش از مطالعه کتاب، توجه به چند نکته، ضروری است:

#### ۱. اعتدال در تجلیل از شخصیت‌ها

نخستین نکته در تمجید و تجلیل از شخصیت‌های بزرگ، رعایت اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط است. در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده:

لَمَّا نُصِفُ اللِّسَانُ فِي نَشْرِ قَبِيحٍ أَوْ إِحْسَانٍ ۲.

کمر پیش می‌آید که بان، در نشر دادن زشتی یا نیکی، انصاف به خرج دهد.

برخی، در تجلیل از شخصیت‌های مورد علاقه خود، به قدری افراط و غلو می‌کنند که آنها را تا سر حد عصمت مطلق، بالا می‌برند، به طوری که هیچ‌گونه نقدی را در باره آنها بر نمی‌تابند و در مقابل، برخی دیگر، با اشاره به اشتباهی از بزرگان، کمالات و شخصیت آنها را زیر سؤال می‌برند. باید توجه داشت که هم افراط و هم تفریط، بی‌انصافی است و مقتضای انصاف، اعتدال، حق‌گرایی و حق‌گویی است.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

إِيَّاكَ أَنْ تَنْصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ فَتُصَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا تَأْتِي ۴.

بپرهیز از این که غیر معصومی را به جایگاهی بگماری (منتدای خودسازی) و او را در تمامی آنچه می‌گوید، تصدیق کنی.

۱. گفتنی است که همه جا در این کتاب، نام‌های غیر مشهور را به نام مشهور، ارجاع داده‌ایم.

۲. غرر الحکم: ح ۶۷۲۴.

۳. گفتنی است که عصمت مطلق (یعنی مصونیت از گناه و اشتباه)، اختصاص به پیامبران و اوصیای آنها دارد؛ اما عصمت و مصونیت از گناه، ویژه آنها نیست؛ بلکه برخی از اولیای الهی نیز می‌توانند به آن، دست یابند.

۴. الکافی: ج ۲ ص ۲۹۸ ح ۵. نیز، ر.ک: معانی الأخبار: ص ۱۶۹.

## احتمال خطا در کلام غیر معصوم

آیه الله بهجت، در باره ضرورت تأمل و بررسی آرا و اقوال شخصیت‌های بزرگ، ولی غیر معصوم، می‌فرماید:

کلامی که از غیر معصوم باشد، از هر بزرگی که باشد، نباید به آن، صد در صد اعتماد کرد؛ بلکه باید احتمال خلاف و خطا در آن داد. کلام معصوم هم هفتاد محیل دارد که بدون فحص از معارض و صوارف آن، نمی‌شود بدو آبه آن، اعتماد و به ظاهر آن، عمل نمود.

بنابر این، اولین تنبیه برای کسی که می‌خواهد چیزی بفهمد، آن است که هر کلامی که دید یا شنید، از هر بزرگی که بود، باید احتمال بدهد که خطا باشد. به صرف این که صاحب کلام و گوینده سخن، بزرگ و بزرگوار است، نباید و نمی‌شود به آن اعتماد کرد. با اعتماد به غیر، کار را مگذرانید؛ زیرا آنان معصوم نیستند. یکی از بزرگان از استادش نقل می‌فرمود: در هر مسئله‌ای که نظر کردید، خوب چشمتان را باز کنید!<sup>۱</sup>

## بزرگی شخص، مانع اشتباه کردن او نیست

باید توجه داشت که آنچه مانع اشتباه است، عصمت و مصونیت الهی است و نه هیچ چیز دیگر. بنا بر این، جلالت علمی و عملی شخصیت‌های بزرگ، مانع نقد آرا و اقوال آنها نیست. آیه الله بهجت در این باره فرموده‌اند:

غیر معصوم، هر چند از علمای بزرگ و جلیل‌القدر باشد، خالی از خطا نیست. لذا نباید مشکوکاتِ اقوال و آرای آنها را به واسطه عظمت شأن و بزرگی مقامشان پذیرفت؛ بلکه تنها در واضحات و مسلمات باید مطابق نظرشان بود و در مشکوکات باید گفت: «نَعْتَقِدُ بِمَا اعْتَقَدَ بِهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْأَمْهُدِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا».<sup>۲</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ج ۱ ص ۲۷۲.

۲. یعنی: ما به آنچه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام اعتقاد دارند، معتقدیم.

مرحوم شیخ مفید با همه جلال و عظمتی که دارد و تاج سر ماست، منکر عالم ذر شده،<sup>۱</sup> با این که اخذ عهد و میثاق، مسلماً بوده است و خود مبدأ عهد، کافی است در احتجاج بر وجود عالم ذر؛ زیرا او بوده و هست و خواهد بود، و اقرار ﴿قَالُوا بَلَىٰ﴾<sup>۲</sup> بی خود و بی جهت از انسان‌ها صادر نشده؛ بلکه ربط مخلوق به خالق و قیام به اوست، و لذا تدلی و تجلی را عیاناً مشاهده کردند و اقرار به ربوبیت حضرت حق نمودند.<sup>۳</sup>

با عنایت به این دو نکته مهم از سخنان آیه الله بهجت، بسیاری از سخنان حکیمانۀ ایشان در این کتاب، مستند به آیات و احادیث شده تا اطمینان بیشتری برای خوانندگان حاصل گردد. چنان که در برخی موارد، اگر نکته یا توضیحی به نظر قاصر، رسیده است نیز یادآور شده‌ایم.

## ۲. تجلیل از شخصیت‌های در حال حیات

بر پایه رهنمودهای اهل بیت علیهم‌السلام، تکریم و تجلیل از علمای ربّانی باید در حال حیاتشان صورت گیرد. در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است:

أَكْرِمُوا الْعُلَمَاءَ؛ فَإِنَّهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَرَمَاءُ.<sup>۴</sup>

دانشمندان را اکرام کنید؛ چرا که آنان، نزد خدا بزرگ‌اند.

بدیهی است که تکریم دانشمندان و ارسته در حال حیاتشان، نه تنها زمینه بهره‌گیری بیشتر مردم از آنان را فراهم می‌سازد، بلکه موجب علاقه‌مند شدن جوانان به علم و معنویت و گسترش معارف دینی می‌گردد. البته جای بسی تأسف است که اگر فربت به اتفاق انسان‌های بزرگ، تازنده هستند، شناخته شده نیستند. آیه الله بهجت در این باره

۱. ر. ک: تصحیح الاعتقاد: ص ۸۰، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۲۵۲ و ج ۵۸ ص ۸۰ و ۱۲۲.

۲. «گفتند: آری» (اعراف: آیه ۱۷۲).

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ج ۲ ص ۲۶۳.

۴. دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۳ ص ۴۳۶ ح ۳۰۸۳. برای دیدن احادیثی که بر این معنا دلالت دارند،

ر. ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۳ ص ۴۳۶-۴۴۴ (حقوق دانشمند).

می‌فرماید:

تعریف کردن از آخوند مرحوم ملاً حسینقلی همدانی و آخوند ملاً فتحعلی [سلطان آبادی]، الآن که مرحوم شده‌اند، آسان است؛ اما وقتی که زنده باشند، با آنها چگونه هستیم؟ آیا همه به آنها معتقدیم و آنها راستایش می‌کنیم و یا فقط بعد از مُردن، از آنها تجلیل می‌کنیم؟!<sup>۱</sup>

و مناسفانه باید گفت که آیه الله بهجت، خود، از کسانی بودند که در حال حیات، آن گونه که شایسته است، شناخته نشدند و مورد استفاده قرار نگرفتند. امیدواریم سنت حسنه‌ای که اخیراً در جامعه ما به عنوان نکوداشت برخی از چهره‌های برجسته پدید آمده، البته با بر طرف شدن نواقص آن، بتواند بخشی از این خلأ مهم فرهنگی را پر کند.

### ۳. حذف القاب شخصیت‌ها در یادداشت‌ها

یادداشت‌های این جانب از سخنان آیه الله بهجت، تقریباً نقل به معناست؛ لیکن تلاش کرده‌ام تا آن جا که حافظه‌ام یاری کرده، عین تعبیرات ایشان (خصوصاً در باره اشخاص) را ضبط کنم. از این رو، القاب و عبارین شخصیت‌هایی که در متن یادداشت‌ها از آنها یاد شده، ذکر نشده است.

این نکته نیز قابل توجه است که عنوان «آیه الله العظمی (بزرگ‌ترین آیت خدا)»، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بر امیر المؤمنین علیه‌السلام اطلاق شده است.<sup>۱</sup> چنان که در روایتی، امام صادق علیه‌السلام در زیارت امیر المؤمنین علیه‌السلام، خطاب به ایشان می‌فرماید:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا آيَةَ اللَّهِ الْعُظْمَى!<sup>۲</sup>

سلام بر تو، ای بزرگ‌ترین آیت خداوند!

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ج ۲ ص ۳۷۷.

۲. آقا (آیه الله بهجت) می‌فرمودند: «یکی از بزرگان نجف می‌فرمود: همه القاب امیر المؤمنین علیه‌السلام را برده‌اند و فقط ابو تراب را برای ایشان گذاشته‌اند» و خود، لیخند ملیحی می‌زدند و لذا به کاربرد همان «آیه الله» تنها هم در مورد خودشان رضایت نمی‌دادند. (ع)

۳. المزار، محمد بن مشهدی: ص ۲۰۶.

همچنین در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

أَنَا الْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَالْآيَةُ الْكُبْرَى.<sup>۱</sup>

من بزرگ‌ترین حجّت و بزرگ‌ترین آیتم.

و در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - يَقُولُ: مَا لِلَّهِ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي.<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان - که درود خدا بر او باد - می‌فرمود: خداوند تعالی آیتی بزرگ‌تر از من ندارد.

بر این اساس، به نظر می‌رسد کامل‌ترین انسان در هر دوران، اعم از پیامبر یا امام معصوم، بزرگ‌ترین آیت الهی است؛ زیرا سراسر جهان آفرینش، آیت و نشانه و جلوه خداست؛ اما بی‌تردید، کامل‌ترین جلوه الهی را در کامل‌ترین انسان می‌توان ملاحظه کرد. از این رو، این جانب جرئت دارم دیگری را با عنوان «آیه الله العظمی» توصیف کنم و به همین جهت، در توصیف مراجع بزرگوار تأکید - که به آنها ارادت می‌ورزم - هر قدر هم که از نظر علمی و عملی بزرگ باشند تنها به لقب «آیه الله» بسنده می‌نمایم، هر چند دیگران، این توصیف را بدین سان توجیه می‌کنند که اطلاق «بزرگ‌ترین آیت» بر آن بزرگواران، مطلق نیست؛ بلکه نسبی است. نظر آنها نیز قابل احترام است.

۴. نکته‌ای آموزنده از امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام در پیام بسیار مهمی که کمتر از چهار ماه مانده به پایان عمر و برکت خود، خطاب به روحانیون، مراجع تقلید، مدرّسین، طلاب، حوزه‌های علمیّه و ائمه جمعه و جماعات، صادر نمودند، نکات فوق العاده دقیقی در باره «مجتهد جامع» ارائه کرده‌اند که بر اساس آن می‌توان چهره واقعی کامل‌ترین الگوی مرجعیّت را ترسیم کرد. در بخشی

۱. الأملی، صدوق: ص ۹۲ ح ۶۷

۲. تفسیر القمی: ج ۲ ص ۴۰۱.

از این پیام، آمده است:

این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد، به همان سبک، صحیح است؛ ولی این، بدان معنا نیست که فقه اسلام، پویا نیست. زمان و مکان، دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم، دارای حکمی بوده است، به ظاهر، همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول - که از نظر ظاهر، با قدیم فرقی نکرده است -، واقعاً موضوع جدیدی شده است که فیرا حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود، احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید: من در مسائل سیاسی، اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم - که در حقیقت، استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند -، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خوردن نشان مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبّر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت، نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در خوردن با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.

هدف اساسی، این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرود و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات، جواب داشته باشیم ...<sup>۱</sup>

۱. صحیفه امام: ج ۲۱ ص ۲۸۹ (پیام «منشور روحانیت» ۱۳۶۷/۱۲/۳).

با عنایت به خصوصیاتِی که در تبیین ویژگی‌های «مجتهد جامع» در این سخن آمده، باید گفت که کامل‌ترین الگوی «مرجعیت» در عصر ما، شخص امام خمینی است و مراجع دیگر، هر چه به این الگو نزدیک‌تر شوند، از کمال بیشتری برخوردارند.

گفتنی است که شناخت ما از امام، تنها شامل ابعاد ظاهری علمی، عملی و سیاسی آن بزرگوار است؛ اما ابعاد و اسرار و مقامات معنوی ایشان، به دلیل شدت رازداری‌ای که داشتند، ناشناخته است.<sup>۱</sup> آیه الله بهجت در این باره می‌فرمودند:

اسراری از آقای خمینی می‌دانم که تاکنون نگفته‌ام و نخواهم گفت.<sup>۲</sup>

باری، طلاب جوان و مستعد می‌توانند با بهره‌گیری از «زمزم عرفان» حضرت آیه الله بهجت، خود را به آن کامل‌ترین الگوی مرجعیت معاصر، نزدیک کنند و زمینه را برای تداوم انقلاب اسلامی با ظهور حضرت امام مهدی - عجل الله فرجه - فراهم سازند.

این جانان، شصت و سه سال از ره‌مودهای ایشان، بسیار بهره برده‌ام و اکنون نیز بهره می‌برم و بدین جهت، بیش از دیگر اساتید و ذوی الحقوق، به یاد آن بزرگوار هستم. یادم نمی‌رود که در پایان آخرین دیداری که با آیه الله بهجت داشتم، باز هم از ایشان تقاضای ره‌نمود و نصیحت کردم. ایشان که گویا می‌دید این آخرین دیدار ماست، فرمود: «آیا به آنچه تا کنون گفته‌ام، عمل کرده‌ای؟». عرض کردم: «حتی المقدور! ایشان جمله‌ای فرمود بدین مضمون که: «نکند توانایی شما بیش از آنچه حتی القدر می‌نماید، باشد!».

از خداوند متان، عاجزانه می‌خواهم که به این حقیر سراپا قصور و تقصیر، توفیق به کار بستن همه ره‌مودهای آن مربی بزرگ اخلاق و عرفان را عنایت فرماید و مرا در پیشگاه خود و انبیا و اولیا و آن بزرگوار، شرمسار نفرماید. آمین، رب العالمین!

محمّدی ری شهری

شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ۱۳۸۰

۲۱ شهریور ۱۳۸۸

۱. ر.ک: ص ۲۶۵ (ارتباط سری با امام خمینی)، نیز، ر.ک: یادداشت شماره ۲۰ بند ۸.

۲. ر.ک: یادداشت شماره ۲۰ بند ۱۰.

۳. گفتنی است که نگارش اولیه این کتاب، در تاریخ یاد شده پایان یافت؛ اما بخش‌های دوم و چهارم (گفتگو با فرزند آیه الله بهجت و زندگی‌نامه‌ها)، پس از این تاریخ، بدان افزوده گردید.